

## Amir Kabir and the Reform Idea of Order and Security in Iran

Yousef Torabi<sup>1</sup> – Mohammad Ahmadabadi<sup>2</sup>

### Abstract

**Background and objectives:** The purpose of this study was to investigate the idea of reforming order and security by Amir Kabir, the Grand Chancellor of Iranian History. Carefully, intelligently, and using the experiences of his travels to Russia and the Ottoman Empire, and reading numerous books and newspapers, he realized the depth of Iran's backwardness in various dimensions, and began to reform programs to end the country from backwardness. The axes of his program were: providing order and security, official, financial, and economic reforms and fighting corruption and focusing on the scientific development of the country. Among these axes, the reforms related to order and security have a special place.

**Methodology:** In terms of its objectives the present study is of an applied research type and a qualitative research that has been conducted using documentary analysis method; and data collection tools are books, historical documents and existing decrees of Amir Kabir's political life.

**Findings:** Establishing internal order and security, providing security on the roads and ways, formulating laws and regulations to ensure criminal justice, organizing the military and law enforcement forces, establishing a secret organization to fight corruption among the princes and the military and law enforcement forces' oppression, establishing the Academy of Arts (Dar al-Fonoon) for scientific development of Iran's military and law enforcement, and organizing national security through the influential struggle of Britain and Russia..

**Results:** Amir Kabir's commitment to the scientific development of the country, deep reforms in the military, law enforcement and anti-corruption fields.

**Keywords:** Amir Kabir, Development, Corruption, Reform, Order and Security.

---

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Political Science, Amin Police University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor in History, Faculty Member of the Research Center of Law Enforcement Sciences and Social Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author).  
Email: mahmadabadi1353@gmail.com

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹

صص ۱۷۳-۱۴۷

## امیر کبیر و اندیشه اصلاحی نظم و امنیت در ایران

یوسف ترابی<sup>۱</sup>، محمد احمدآبادی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۵

### چکیده

**زمینه و هدف:** هدف این تحقیق بررسی اندیشه اصلاح نظم و امنیت توسط امیر کبیر صدراعظم بزرگ تاریخ ایران بوده است. او با دقت، هوشمندی و با بهره‌گیری از تجارب سفر خود به روسیه و عثمانی و مطالعه کتاب‌ها و روزنامه‌های متعدد، عمق‌مآندگی ایرانرا در ابعاد مختلف ادراک کرد و برنامه‌های اصلاحیبراینجاست کشور از عقب‌ماندگی آغاز کرد. محورهای برنامه وی عبارت بود از: تأمین نظم و امنیت، اصلاح‌اداری، مالی، اقتصادی و مبارزه با فساد و توجه به توسعه علمی کشور. در میان محورهای مزبور، اصلاحات مرتبط بانظم وامنیت جایگاه ویژه‌ای داشته است.

**روش پژوهش:** این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است که با روش تحلیل اسنادی انجام شده است و ابزار گردآوری داده‌ها عبارت از کتاب‌ها و اسناد تاریخی و فرمان‌ها موجود از زندگی سیاسی امیر کبیر بوده است.

**یافته‌ها:** ایجاد نظم و امنیت داخلی، تأمین امنیت در جاده‌ها و راه‌ها، تدوین قوانین و مقررات برای تأمین عدالت کیفری، ساماندهی نیروهای نظامی و انتظامی، تأسیس سازمان خفیه برای مبارزه با فساد دربار و شاهزادگان و ظلم نیروهای نظامی و انتظامی بر مردم، تأسیس دارالفنون برای توسعه علمی، نظامی و انتظامی ایران، ساماندهی امنیت ملی از طریق مبارزه بانفوذ انگلیس و روس.

**نتیجه‌گیری:** اهتمام امیر کبیر به توسعه علمی کشور و انجام اصلاحات عمیق در عرصه‌های نظامی، انتظامی و مبارزه با فساد

**واژه‌های کلیدی:** امیر کبیر، توسعه، فساد، اصلاحات، نظم و امنیت.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۲. استادیار تاریخ، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. نویسنده

مسئول: mahmadabadi1353@gmail.com

## مقدمه

عباس میرزا از بنیان گذاران برنامه‌های نوسازی و نوگرایانه در زمینه‌های مختلف از نوسازی ارتش تا اعزام دانشجو به خارج برای پیشرفت و ترقی جامعه ایران تلقی می‌شود (حائری، ۱۳۷۸: ۳۰۹) و در کنار وی میرزا تقی خان امیر کبیر را می‌توان از مهم‌ترین نخبگان و بنیان‌گذاران اندیشه توسعه و اصلاحات در ایران تلقی کرد. جهل و عقب‌ماندگی علمی، وضعیت نابسامان کشور در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بی‌درایتی و سوء مدیریت و فساد لجام گسیخته و نهادینه شده نظام اداری و نخبگان سیاسی و قدرت با محوریت خاندان قاجار باعث اختلال در نظم و امنیت کشور و احساس ناامنی و هراس شدید در میان مردم و اقشار مختلف اجتماعی شده بود. با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و درایت صدراعظم ایشان میرزا تقی خان امیر کبیر روند تدریجی تحوّل اصلاحی در نظام اداری و مدیریتی و نظام انتظامی و امنیتی کشور سرعت گرفت. در این اصلاحات به نظم اجتماعی و نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور توجه جدی‌تری شد.

«دعاوی قضایی مبتنی بر قانون مدونی نبود و موجب بحران‌های امنیتی و اجتماعی در جامعه می‌شد، سازمان مستقلی جهت رسیدگی به تظلمات وجود نداشت. فقدان قوانین مدون و اعمال مجازات سلیقه‌ای غیرقانونی و بی‌ضابطه به گونه‌ای بود که گاه برای جرمی مشخص در ولایات گوناگون مجازاتی متفاوت قائل می‌شدند. به اسم مجازات هزاران نحو شکنجه به میل ظالم بر مظلوم جاری می‌شد و احقاق حق ابداً نبود. مجرمان شریک دخل حاکمان شدند و حاکمان آلت اجرای مقاصد مجرمان گردیدند و این وضع آشفته در مناطق و ایالات دورافتاده و دهات به مراتب شدت می‌گرفت» (محلّاتی، ۱۳۵۹: ۴۷۲).

از منظر توجه به نظم اجتماعی و امنیت و اصلاح نظام امنیتی و انتظامی ایران، نیز امیر کبیر تلاش‌ها و اقدامات قابل توجهی انجام داد، فرونشاندن شورش‌های داخلی با قوه قهریه، امنیت بخشی درون شهرها و سامان بخشی به امنیت در راه‌های ارتباطی برون‌شهری، ایجاد تحولات نوین در مراکز نظامی و امنیتی، ایجاد دستگاه‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی در کشور به نام سازمان خفیه و... از جمله این اقدامات مهم به شمار می‌رود. سؤال اصلی که این پژوهش عبارت است از: اقدامات اصلاحی امیر کبیر در ایران با تأکید بر عرصه نظم و امنیت چه بوده است؟

### مبانی نظری

در زیر به تعریف کلیدواژه‌های اصلی تحقیق که عبارت از نظم، امنیت، اصلاحات، توسعه و فساد هستند، پرداخته می‌شود.

**نظم:** نظم در لغت به معنای آرایش، ترتیب و توالی است. معنی مفهومی آن در حوزه‌های مختلف، متفاوت است و در یک تعریف، نظم‌پذیری اجتماعی در افراد جامعه، نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴).

**امنیت:** امنیت به معنای ایمن شدن «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است. (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۴). امنیت در مفهوم سنتی آن دارای دو بعد داخلی و خارجی است که بر حسب آن دولت کشور را هم از گزند تجاوزات و تهدیدات خارجی و هم از ناامنی‌های داخلی مصون نگه می‌دارد. امنیت داخلی اجتماع رضایت بخشی را در جامعه ایجاد می‌کند بنابراین دولت وظیفه دارد که امنیت جان و مال مردم را از تجاوزات نامشروع حفظ کند. (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۵) نظریه‌های در خصوص ماهیت امنیت در بستر دو گفتمان اصلی سلبی و ایجابی یا منفی و مثبت طرح شده‌اند. گفتمان امنیت سلبی با نبود عامل دیگری به نام تهدید تعریف می‌شود. راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است. همچنین مبنای قضاوت در مورد

میزان وجود امنیت به مفهوم کلی در جامعه بوده و توانایی دولت‌ها با آن سنجیده می‌شود (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۲۶) گفتمان امنیت ایجابی در پی نقد جدی مبانی و اصول گفتمان امنیت سلبی پا به عرصه وجود می‌گذارد در این گفتمان امنیت به نبود تهدیدات تعریف نمی‌شود بلکه افزون بر نبود تهدید وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواست‌های جمعی نیز مدنظر است. (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۲۷)

**اصلاحات:** واژه اصلاحات از آن واژگانی است که مفهوم آن در علوم اجتماعی و سیاسی محل بحث و مناقشه است. نظریه اصلاحات در بحث تاریخی عمدتاً مبتنی بر تمایز میان سنت و مدرنیته است. انگاره اصلی این نظریه آن است که توسعه بر حول محور ایستارها و ارزش‌ها می‌چرخد و جوامع سنتی را افرادی اداره می‌کنند که ذهنیت سنتی دارند بنابراین برای پذیرش نوآوری آمادگی ندارند درحالی‌که جوامع مدرن به ذهنیت مدرن و کسانی نیاز دارند که مشتاق‌اند چیزهای نو را تجربه کنند. در اصلاحات نخبگان جامعه با نقد گذشته و پیدا کردن راه اداره موفق جامعه شیوه خروج از ناکامی‌ها و تنگناها را به جامعه نشان می‌دهند اصلاحات در اینجا به معنای دفع و دور کردن گروهی از جامعه نیست بلکه شناخت و فهم ناکامی‌ها و ارائه طریق برای پیشبرد جامعه و اداره‌ی بهتر آن است. در برخی از تعاریف اصلاح به اقداماتی گفته می‌شود که برای تغییر و تعویض برخی از جنبه‌های حیات اقتصادی اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد بدون آنکه بنیاد جامعه را دگرگون کند مانند اصلاحات آموزشی، اداری و ... از نظر این دیدگاه اصلاح آن‌چنان تغییراتی است که از چارچوب نظام اجتماعی بیرون نمی‌رود (باباییک، ۱۳۶۹: ۱۲۴).

**توسعه:** توسعه به معنای رشد، ترقی، پیشرفت و نوسازی بکار رفته است، اما مفهوم دقیق آن عبارت است از حرکت یک جامعه از یک وضعیت پایین و بد، به یک وضعیت بالاتر و بهتر در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در ادبیات

اسلامی، توسعه مترادف با عمران و آبادانی است که در آن رشد، ترقی و بهبود وضعیت زندگی مردم در ابعاد مختلف یک جامعه و نظام سیاسی مشهود باشد (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

**فساد:** فساد در زبان فارسی به معنای تباه شدن، تباهی، پوسیدگی، فتنه، آشوب، ظلم و ستم و لهو لعب است (عمید، ۱۳۸۳) و در زبان عربی فساد از فسد به معنای تباهی و برخلاف صلاح است و راغب اصفهانی در مورد آن گفته است: فساد عبارت است از خروج هر چیز از اعتدال، خواه کم یا بیش (قرشی، ۱۳۹۵: ۱۷۴)

### **پیشینه تحقیق**

عیوضی (۱۳۸۳) مقاله با عنوان «وقایع اتفاقیه اصلاحات امیر کبیر» انجام شده است که نتایج حاکی از اصلاحات امیر کبیر در ابعاد اجتماعی و نظامی و انتظامی و اقدامات وی را در خصوص اتخاذ سیاست موازنه منفی در سیاست خارجی است.

حیدری مهر و سهراب زاده (۱۳۹۷) مقاله با عنوان «بررسی آسیب‌شناسی اصلاحات نظامی ایران در عصر قاجار» انجام شده و نتایج حاکی از اصلاحات امیر کبیر در عرصه نظامی در شرایطی است که زمینه‌های اجتماعی لازم در سیستم و نظام امنیتی و دفاعی ایران فراهم نبوده است.

در مقایسه با کارهای فوق‌الذکر جنبه نوآوری مقاله حاضر نگرش جامع به ابعاد رویکرد اصلاحی امیر کبیر به ایران با تأکید بر امور انتظامی و امنیتی است.

### **روش پژوهش**

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است که با روش تحلیل اسنادی انجام شده است و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات عبارت از کتاب‌ها و اسناد تاریخی، اقدام‌ها، بیانات و فرمان‌ها موجود امیر کبیر بوده است.

## یافته‌های پژوهش

در این قسمت از تحقیق با عنایت به وضعیت امنیتی و اجتماعی ایران در دوران صدراعظمی امیر کبیر به بررسی و تحلیل چگونگی تکوین اندیشه اصلاحی و اقدامات وی با محوریت توسعه نظم اجتماعی و امنیت و مبارزه با فساد پرداخته می‌شود.

### وضعیت امنیتی و اجتماعی ایران در زمان صدارت امیر کبیر

ناامنی، هراس و پدیده کشمکش و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای برای دستیابی به قدرت از مهم‌ترین خصوصیات عصر قاجار بوده و بر اثر فقدان قوانین مدون امنیت قضایی و اجتماعی و اقتصادی هیچ‌گاه به‌طور کامل محقق نمی‌شد. به بیان کاتوزیان: یکی از ویژگی‌های تاریخ ایران سیر دورانی حاکمیت استبداد، طغیان و آشوب عمومی و به دنبال آن حاکمیت استبدادی است. هرج و مرج نیز صرفاً به تشدید بی‌قانونی و افزایش ناامنی و پیش‌بینی‌ناپذیری منجر می‌شد. از این‌رو طولی نمی‌کشید که جامعه از نو در آرزوی نظم به انتظار می‌نشست و خواهان بازگشت حاکم مستبد دیگری می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۰).

شورش مردم بروجرد بر جمشیدخان ماکویی، شورش اهالی کرمانشاه بر محب علی‌خان ماکویی، شورش ایالت کردستان و هواخواهان رضاقلی‌خان اردلان بر خسروخان گرجی‌والی، شورش مملکت فارس بر حسین‌خان نظام‌الدوله، شوریدگی و انقلاب مملکت کرمان به فضل علی‌خان بیگلریگی با عبدالله خان صارم‌الدوله و قتل میرزا اسمعیل شیرازی وزیر کرمان به دست مردم غوغایی شوریدگی، اضطراب مردم یزد و طغیان اشراز آنجا و تغلب محمد عبدالله شورش جمهوری از افواج قاهره بر امیر اتابک اعظم (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۲)

رواج رسومات منفی، اعمال نفوذ و رشوه‌خواری نیز بر ناامنی‌ها می‌افزود. منازعات فرقه‌ای و کشمکش‌های گروهی از آفات ساختار اجتماعی ایران به شمار می‌رفت. در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران، در میان اهالی، جنگ حیدری نعمتی هست و به

خواهی این دو نام همه‌ساله خون‌ها ریخته می‌شود؛ که طرف غالب به خانه‌ها و دکانین مغلوبین افتاده از غارت اموال نیز خودداری نمی‌کنند (مراغه‌ای، ۱۳۱۳: ۱۵۶).

### زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه اصلاح‌امیر کبیر

پس از مرگ محمدشاه فرزند جوانش ناصرالدین‌شاه با هوشمندی امیر کبیر امیر به قدرت رسید، امیر کبیر به نوعی شاگرد عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی است. در تمام مدت زمانی که امیر کبیر در دربار عباس میرزا در تبریز زیر نظر قائم مقام‌ها (پدر و پسر) رشد می‌کند از ایشان معرفت و کیاست و آیین ملک‌داری را می‌آموزد و خدمت به شاهزاده عباس میرزا که از شاهزادگان صاحب‌رأی و متفکر قاجار است او را وارد عرصه‌های جدیدی از تفکر اصلاح‌گری و ترقی و توسعه ایران می‌کند.

یکی از عوامل مهم در پیدایش فکر اصلاحات زمانی بود که او به عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در ارزروم به امپراتوری عثمانی رفت و در آن زمان فضایی مملو از اندیشه و مباحث گسترده پیرامون ضرورت اصلاحات میان نخبگان عثمانی مطرح بود. مغز متفکر جریان اصلاح‌طلبی «رشیدپاشا» صدراعظم نوگرا و اصلاح‌طلب ترک بود که با سرسختی و علیرغم مخالفت‌های زیاد سعی در پیشبرد برنامه اصلاحاتش داشت تلاش وی برای اصلاحات باعث شده بود تا به وی لقب «پتر کبیر» امپراتوری عثمانی داده شود کوشش‌های وی منجر به صدور فرمان معروف به خط شریف‌گلخانه از جانب خلیفه عثمانی سلطان عبدالحمید در سال ۱۲۵۵/۱۸۴۰ گردید (زیباکلام، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

علاوه بر دلایل گوناگون در خصوص انگیزه‌های امیر در انجام اصلاحات مهم‌ترین عاملی را که باید در اندیشه‌های سیاسی و امنیتی امیر مدنظر قرار داد آگاهی عمیق امیر به وضعیت اسفبار جامعه آن روز ایران و همچنین فقدان امنیت و آسایش در کشور بود. امیر کبیر با حسن فراست دریافته بود که تا نظم و امنیت پایدار حاکم نباشد، انجام اصلاحات راه به جایی نخواهد برد، بنابراین بیشترین تلاش امیر کبیر در



آغاز برنامه‌هایش، اولویت قرار دادن، اصلاحات امنیتی انتظامی و ایجاد امنیت و نظم اجتماعی در کشور بود.

### مبارزه با فساد دربار

امیر کبیر در شروع اصلاحات خویش دربار را مورد توجه قرارداد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که امیر کبیر بر آن تأکید داشت، محدود کردن قدرت شاه بود. از سوی دیگر علاوه پیش بردن نقشه اصلاحات مستلزم تمرکز قدرت بود. در آنچه امیر نظام صلاح می‌دید از طرف ناصرالدین شاه چون و چرا به میان نمی‌آمد حتی در اطراف شاه از عمله خلوت و خواجه‌سرایان حرم هر که ماند به انتخاب امیر نظام بود (امین الدوله، ۱۳۴۱: ۱۳). او اولین صدراعظمی بود که برای دستگاه دولتی «حدود» مشخص کرد و برای مشاغل، چارچوب اداری و حقوق تعیین نمود و بر اعمال کارکنان دولت نظام دقیق نظارتی حکم فرما کرد و مستمری‌های گزاف درباریان را قطع نمود. امیر جهت تعدیل بودجه دولت حتی از حقوق شاه کاست چنین عملکردی در ایران استبدادی کاری خارق‌العاده بود. از دیگر نوآوری‌های امیر کبیر، شکستن سنت خرید و فروش حکومت ولایات بود به طوری که هیچ کس شغل و مقام تازه‌ای تحصیل نمی‌کرد مگر آنکه شایستگی آن را احراز کرده باشد. (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۹).

### انتظام بخشی به نظم و امنیت داخلی

امیر کبیر با تشخیص ریشه‌های شورش‌ها و ناامنی، اقدامات زیر را برای ایجاد و تأمین نظم و امنیت انجام داد:

#### ۱- سرکوبی شورش‌ها و یاغی‌های مناطق مختلف

شورش‌های داخلی در مناطق مختلف کشور حاکی از ناامنی و عدم احساس امنیت در ایران بود، مدیریت و مقابله با این شورش‌ها و برقرار کردن امنیت در سراسر کشور کار بسیار مهمی در این دوران بود. «این امر مهم را با تدبیر و بردباری و قدرت پیش برد. طرفه اینکه بیشتر آن یاغیگری‌ها را با ملایمت و از راه تغییر حکام فروشنده و برخی را

با مهر و کین و تهدید و ترسانیدن هرکجا این شیوه‌ها مؤثر نگردید سیاست قاهرانه کار را تمام کرد. در این مورد سیاستش جرار بود و گرنه در موارد دیگر به بخشیدن و تبعید ساختن و یا زندانی نمودن سرکشان اکتفا نمود» (آدمیت، ۱۳۵۳: ۲۳۳).

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل این دوره در عرصه امنیت داخلی و اجتماعی ایران، فتنه مذهبی و فرقه‌ای سید علی محمد باب بود. امیر اگر چه با اقلیت‌های دینی شیوه تسامح و مدارا را در پیش گرفت اما با ادراک عمق خطر با پیگیری در ایران نسبت به آن شدت عمل به خرج داد، او فرقه بابیه که فرقه‌ای ساخته روس‌ها و انگلیسی‌ها بود را با سایر اشرار و مفسده‌جویان یکی می‌دانست که باید قلع و قمع شوند. لذا فتوای قتل باب را از علما گرفت و در روز ۲۷ یا ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ در شهر تبریز مقابل ارک دولتی، سید علی محمد باب را پس از اعتراف به دعوی دروغش به دار آویخت و شورش‌هایی که در شهرهای مختلف کشور از طرف بابیه‌ها بروز کرد، سرکوب کرد و فتنه جویان را مجازات کرد. «امیر کبیر جمعی از سرکردگان دارالمرز را به اطفای نایره (آتش) و فساد و خمود آتش عناد آن طایفه (بابیه‌ها) مأمور فرمود. مدتی از طرفین منازعه و مرافعه همی رفت و جنگجویان مجروح و مقتول همی شدند و بعضی از اعزه اهالی لاریجان و سورتچ و هزار جریب و مازندران در این میانه مقتول گشتند. تا آخر الامر به حکم شرع بین و به اذن سلطان آن قوم جسور را به محصور و به ستوه آوردند و اعلی و ادنی آن طایفه را عرضه تیغ بی‌دریغ انتقام کردند» (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۶۷).

## ۲- تدوین مقررات برای تأمین امنیت در جاده‌های کشور

بعد از برقراری امنیت در ولایاتی که بر اثر عدم تمرکز قدرت دچار پریشانی گشته بود امنیت بین راه‌ها برای تجارت و بازرگانی و مسافرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. ایجاد امنیت در سیستان مستلزم استفاده از مأمورین شترسوار بود. از آنجا که اولیای دولت علیه در نظم راه‌ها و امنیت ممالک اهتمام دارند برای سد راه هرزگی طایفه بلوچ قرار جمازه سواری داده‌اند که همیشه متوجه محارست و محافظت راه‌ها بوده راه

هرزگی بلوچ را مسدود دارند این اوقات آن‌ها را به دارالخلافه احضار نموده بودند وارد شدند که سان آن‌ها را دیده قرار درستی در کارشان داده روانه نمایند (آدمیت، ۱۳۵۳: ۲۵۱). همچنین در سر راه‌ها نیز برج‌هایی بین شهرها قرار داد تا از این طریق بتواند بر امنیت راه‌ها نظارت داشته باشد. بروگش می‌نویسد: در سر راه برج‌های نیمه ویرانی دیده می‌شد که از طرف امیر کبیر برای استقرار سربازان و راهداران و جلوگیری از حمله سواران بختیاری به کاروان‌ها ساخته شده بود (بروگش ۱۳۷۶: ۴۲۶). اهتمام امیر در برقراری امنیت در ورودی شهرها و حتی نواحی مرزی تأثیرگذار بود. از همه بامعنی‌تر این است که ترکمانان دزد مزاج که تا دیروز شتر را با بارش می‌بردند و آدمیزاد را می‌زدیدند و برده وار می‌فروختند حالا به مردمی گرائیده همان اسیران را پس می‌فرستادند. (وقایع اتفاقیه، ش ۲۴) و حتی اگر مالی از اردو در صحرای ترکمانان گم بشود ترکمانان پیدا نموده می‌آوردند در اردو جار کشیده به صاحبش می‌رسانند. (وقایع اتفاقیه، ش ۲۸)

میرزا تقی‌خان جهت جلوگیری از مأمورین که در قرنطینه کار می‌کردند و ممکن بود در این مکان از مسافران و کسانی که از آن منطقه تردد می‌کردند به دلایل گوناگون وجه نقد و دیگر ملزومات را طلب کنند در حاشیه نامه به حاکم کرمانشاه نوشت: مراقب باشید که این عمل مایه مداخل مستحفظین نشود و بنای اذیت و آزار را گذاشته مترددین را به زحمت نیندازند بلکه مایه نظم شود (آدمیت، ۱۳۵۳: ۳۲۲). تا این زمان تذکره چاپی (گذرنامه) در ایران مرسوم نبود، برای مسافرت ایرانیان نوشته خطی می‌دادند در سال ۱۲۶۷ تذکره چاپی با علامت شیر و خورشید که نشان رسمی دولت بود بنا گذارده شد. در ارک تذکره‌خانه‌ای ساختند و حاجی میرزا جبار ناظم المهام مصلحت‌گذار سابق ایران در بغداد به ریاست آن معین گردید. (آدمیت ۱۳۵۳: ۳۴۰)

قانون دیگری که نهاده شد بلیط دروازه بود (جواز ورود به شهر) و انگیزه آن حفظ امنیت سیاسی بود اگرچه این امر با مخالفت‌هایی از سوی دولتین روسیه و انگلیس روبرو شد ولی در نهایت انجام آن با اصلاحاتی انجام گردید و بلیط دروازه برای این بود که دولت بر رفت و آمد مردم به خارج از شهر و داخل شدن آن‌ها نظارت داشته باشد. بعد از ایجاد امنیت در نواحی مختلف کشور و سرکوب گردنکشان و راهزنان جاده‌های کشور امیر توان خود را مصروف امنیت داخلی شهرها کرد.

### ۳- تأسیس سازمان خفیه

میرزا تقی خان برای اطلاع یافتن از جزئیات امور کشور و با خبر شدن از رفتار حکام ظالم پیشه و نظامیان با مردم تشکیلاتی به وجود آورده بود جالب‌تر از تشکیلات سازمان جاسوسی سازمان ضد جاسوسی و تشکیلات منہیان امیر بود این گونه تشکیلات را در دستگاه‌های دولتی کنونی جهان سازمان (ضد اطلاعات) و یا ضد جاسوسی می‌نامند (رائین، ۱۳۷۳: ۲۳۰) وی برای اطلاع از کارهای دولتی‌ها و گردنکشان و متنفذین داخلی عده‌ای خفیه نویس داشت که بین پایتخت و ولایات در حرکت و یا در شهرها مقیم بودند و این خفیه نویسان همه وقایع مربوط به مردم و عمال دولت و نظامیان و خبرهای شهرها و دهات را صادقانه برای او می‌نوشتند. ارسال اخبار سری به وسیله جاسوسان و خبردهندگان و مؤاخذات امیر از مجرمین و جفاکاران آن‌قدر سریع و منظم بود که اغلب مردم معتقد به غیب‌گویی و کرامات امیر کبیر شده و اظهار عقیده می‌کردند که وی از عالم غیب اطلاع دارد و اطلاعات خود را از آنجا کسب می‌کند. (رائین ۱۳۷۳: ۲۲۹).

### ۴- مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی و ابلاغ ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی

#### و مسکرات

یکی از آسیب‌های اجتماعی دوره قاجار، وجود پیاله‌فروشی‌ها و رواج مشروب‌خواری در میان داش‌مشتی‌ها و ولات‌ها و کلوهای (داش‌مشتی‌ها) بلدیة تهران و سایر ایالات کشور

بود که زمینه‌ساز درگیری عربده‌کشی و قتل و تعدی به مال و جان و ناموس دیگران می‌شد. یکی دیگر از اقدامات امیر کبیر در این دوره، ابلاغ ممنوعیت علنی و آشکار شرب خمر و مسکرات بود که بدون بستن دکان‌های مشروب‌فروشی و مهر کردن آلات تقطیر، خوردن آن را قدهغن کرد (مستوفی، ۱۳۴۳: ۷۲).

### ۵- نوسازی ارتش و نیروهای انتظامی

یکی از آسیب‌های اساسی ارتش، نیروهای انتظامی و پلیسی ایران تا پیش از امیر کبیر نهادینه شدن خرده‌فرهنگ تعدی و زورگیری از مردم بی‌پناه بود و نظامیان و مأموران انتظامی در سایه استبداد سلاطین قاجار به تجاوز و تعدی و زورگیری عادت کرده و در نتیجه، ارزش و منزلت اجتماعی نیروهای مسلح از بین رفته بود.

سرهنگ‌هایی بودند که لباس و پول به عنوان افواجی دریافت می‌کردند که آن افواج وجود خارجی نداشته‌اند. گارد همایونی که در زمان فتحعلی‌شان گروهبانی مرکب از ششصد سوار بود و در دوره نواده پادشاه مزبور (محمدشاه) عده آن روی کاغذ به چهارهزارتن می‌رسید و در موقع احضار فقط سیصد تن بودند وضع دستگاه‌های کشوری کاملاً مثل وضع و حال لشکری بوده عده کثیر از حق مستمری سرشار که حاج میرزا آقاسی برقرار کرده بود برخوردار بودند بی‌آنکه این مستمری‌ها به مناسبت کمترین خدمت از ناحیه افراد باشد (واتسن، ۱۳۴۱: ۳۴۷). قبل از امیر کبیر، برای چهار هزار نفر سواره نظام روی کاغذ حقوق داده می‌شد در حالی که تعداد آن‌ها سیصد نفر بیشتر نبودند (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۹).

امیر در ابتدا شروع به اصلاح امور و عزل نصب مأمورین کشوری و لشکری نموده برای تصدی هر شغل و کار لشکری و کشوری بهترین اشخاصی که صلاحیت آن کار را داشتند انتخاب کرده و رشته هر کار را به دست اهلش سپرد (مکی، ۱۳۷۷: ۱۰۰). تأسیس صندوقخانه نظام (صندوق ذخیره پولی) نیز از کارهای امیر است. رقم تنخواه یا بودجه نظام هر ساله معین می‌گردید و در اختیار امین لشکر قرار می‌گرفت

مخارج لشکر مستقیماً یعنی بدون مراجعه به دستگاه استیفای از همان صندوق پرداخت می‌شد. (آدمیت، ۱۳۵۳:۳۰۲)

جهت دیگر اصلاحات نظامی امیر تجدیدنظر در سازمان لشگری بود. تشکیلات نظام را بر پایه دائمی نهاد و در کتابچه خیالات اتابکی جمع قشون ایران را یکصد و هفتاد هزار نفر در نظر گرفته بود... نکته جالب توجه اینکه برای ایلات هنگ‌های ثابت برقرار نمود و سواره نظام ایلات را منظم کرده بود. به علاوه نخستین بار از عنصر اقلیت مسیحی ارومیه و سلماس و جلفای اصفهان دو فوج جداگانه ترتیب داد؛ این کار در ایران پیش از عثمانی صورت گرفت. جنبه مترقی‌تر اندیشه امیر این بود که مقرر داشت صاحب منصب آن‌ها از خود آن‌ها بوده باشد (آدمیت، ۱۳۵۳:۲۹۵).

تأسیس کارخانه اسلحه‌سازی و باروت‌سازی و استخدام نیروهای انسانی که در این کار تبحر داشتند از اقدامات شایان توجه دیگری بود که امیر انجام داد. «در این ایام امنای دولت ایران در راه انداختن قورخانه (کارخانه اسلحه‌سازی) و جباخانه سعی و کوشش تمام دارند در اکثر شهرهای ایران قورخانه و جباخانه به‌طور خوب به راه افتاده، تفنگ‌هایی که در جباخانه‌ها می‌سازند. بهتر از تفنگ‌هایی است که در این روزها از ولایت انگلیس آورده‌اند. خصوص در چخماقشان که بسیار خوب می‌سازند. استادان و صنعت‌گران به سایر قابل شده و ترقی کرده‌اند. خصوصاً در ساختن مهتاب بجهت آتش دادن توپ به‌طوری خوب می‌سازند که در فرنگستان چند سال قبلاینطور نتوانسته‌اند بسازند یعنی وقتی آتش گرفت در زیر آب هم می‌سوزد و خاموش نمی‌شود». (وقایع اتفاقیه، ش ۳۰) قسمت دیگر نقشه لشگری شامل بنای کارخانه‌های اسلحه‌سازی بود در تهران و برخی ایلات مانند آذربایجان، فارس، خراسان و اصفهان نظر امیر این بود که اسلحه و مهمات نظامی موردنیاز لشکر هر یک از ایالات مهم در همان‌جا ساخته گردد. (آدمیت، ۱۳۵۳:۲۹۵) امور مباشرت نظام نیز به قانون تازه‌ای

درآمد. برای یکسان کردن لباس نظام کلیجه و شلوار تنگ اتریشی معمول گردید؛ و مقرر گردید که لباس و شلوار لشکری از پارچه خودایران دوخته شود. «و حکم شده است سالی پنجاه هزار دست در تهران و اصفهان بدوزند و این معنی باعث رفاه رعیت و آبادی مملکت خواهد بود». (آدمیت، ۱۳۵۳: ۲۹۹)

از موارد دیگر اصلاحات نظامی و امنیتی، ساختن دژهای نظامی در نواحی مرزی و مناطقی مانند مرزی بود، در این دژها و باستیونها (قلعه) عده‌ای سرباز گماشته شدند که پاسداری و حفظ امنیت را در شهرها و راه‌های بین شهرها بر عهده داشتند «حسب الامر امیر اتابک اعظم و صدر معظم مقرر شد که در هر شهری از شهرهای ایران در سر کوچه‌ها و محلات عمارتی شایسته به جهت سربازان دولت ابد مدت ساخته شود. در اندک روزگاری سربازخانه بسیار در دارالخلافه و سایر بلاد عمارت یافت و فی الواقع مزید آبادی و رونق شهرها شد و مقرر شد که روزنامه امورات بلاد بعید و قریب از اخبار و غیره به طبع آورند و متداول و شایع سازند که همه کس از امورات اتفاقیه اطلاع کامل به هم رسانند و چهارده فوج از افواج قاهره همیشه به جهت قراولی و رجوع خدمت ملکی در دارالخلافه حاضر و موجود باشند» (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۷۰).

این اقدامات باعث شد علاوه بر تأمین امنیت و نظم در درون شهرها، انضباط نیز میان سربازان شکل بگیرد و از تجاوز و تعدی که قبل از این وجود داشت کاسته شود. در نظم قانونی لشکری آیین کهن سیورسات برافتاد. به همان اندازه که جلو کژروی سپاهی گرفته شد مراقبت گردید که جیره و مواجب و پوشاک سرباز بی کم و کاست برسد. در این کارگاه خود امیر رسیدگی می‌کرد و از احوال سربازان جویا می‌شد. به نوشته وزیرمختار پروس امیر صاحب‌منصبانی را که به حقوق زیردستان دستبرد زده بودند مورد تنبیه سخت قرارداد. وزیرمختار انگلیس می‌نویسد: حالا مواجب و جیره سربازان منصفانه و مرتب پرداخت می‌گردد؛ چنین نظمی را سپاهی هیچ‌وقت ندیده بود. همین

رویه عادلانه و به‌قاعده اگر خوی لشکریان را تغییر نداده باشد دست کم در رفتارشان مؤثر افتاده است (آدمیت، ۱۳۵۳: ۲۹۹).

اقدام دیگر امیر کبیر در تحول نیروهای نظامی و انتظامی تدوین و ابلاغ قانون بنیچه (سربازگیری) بود. بنیچه بدین ترتیب بود که در هر بخش یا دهستان به نسبت جمعیت خود، تعدادی داوطلب از بین جوانان خود انتخاب نموده و آن‌ها را به اسم سرباز به حکومت مرکزی یا حکومت محل تحویل می‌داد. رفع حوایج این عده و مخارج نگهداری شخص سرباز در طول خدمت بر عهده دولت و مخارج نگهداری خانواده سرباز به عهده اهالی زادگاه آن سرباز بود. با استفاده از سربازان بنیچه میرزا تقی‌خان امیر کبیر ارتش ایران را به پنجاه فوج (هنگ) پیاده‌نظام و دوازده دسته سواره‌نظام سازمان داد (کاظمی، ۱۳۵۳: ۲۶).

#### ۶- تأسیس دارالفنون

مهم‌ترین اقدام امیر در فرآیند توسعه علمی و صنعتی ایران و همچنین توسعه و پیشرفت نیروهای امنیتی و انتظامی تأسیس دارالفنون به‌عنوان اولین مدرسه و به تعبیر دقیق‌تر دانشگاه صنعتی در ایران بود. امیر کبیر با تأسیس مدرسه دارالفنون قصد داشت تا محیط نظامی را با بهره‌گیری از متون علمی و به شکل نظامیان اروپایی تعلیم دهد. اگرچه در هنگام افتتاح این مدرسه امیر دیگر سمتی در کشور نداشت ولی اسنادی که به دست می‌رسیده ثابت می‌کند که شعبه نظامی دارالفنون قریب هشت ماه پیش از افتتاح رسمی آن شروع به کار کرد. امیر در یکی از نامه‌های خود به شاه تصریح می‌کند «امتحانات شش‌ماهه مدرسه به‌خوبی انجام یافت قرار شد به جهت جنگ، چندین فوج مشق مخبران بکنند چون برای جنگ بهترین مشق‌هاست. در نزد صاحب‌منصبی که فردا وارد می‌شود (مراد سرهنگ مطراتسو ایتالیایی است) علم ساختن قلعه و بردن مارپیچ و ساختن پل را خواهند آموخت. آن وقت به‌زودی در ایران صاحب‌منصبان لایق تربیت خواهند شد. در نامه دیگری می‌نویسد «فوج خلخال خوب مشق می‌کند و استعدادی



بارون صاحب هم همین است که به نظر همایونی برسد. «توصیه‌اش به شاه این است که هفته‌ای دو روز صاحب‌منصبان مسلمان و فرنگی شرفیاب خواهند شد به علاوه برای تعلیمات افسران کتاب «نظام ناصری» نگارش بهرام میرزا معزالدوله در ۱۲۶۷ منتشر گشت. بهرام میرزا پسر عباس میرزا نزد معلمین انگلیسی درس خوانده بود و مدتی ریاست قورخانه آذربایجان را داشت این کتاب از اولین نوشته‌های فارسی در فن نظام جدید است. (آدمیت، ۱۳۵۳: ۲۹۲) او وسواس خاصی در انتخاب معلمان دارالفنون داشت و از آنجا که نه به انگلیسی‌ها اعتماد داشت و نه به روس‌ها و نه به فرانسوی‌ها، توجهش به پیروزی اتریش بر ساردنی در ۱۸۴۸-۱۸۴۹ جلب شد و از آن دولت کمک خواست تا هیئت اتریشی استخدام گردید (آوری، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

#### ۷- تدوین قوانین و اصلاحات قضایی برای تأمین عدالت کیفری

امیر در جهت اجرای اصلاحات عدالت‌طلبانه‌ی خود به حکمران گیلان نوشت: عدالت را فرض حکومتی بشناسید مراقبت نمایید که احقاق حق شود... منتهای اهتمام را در اجرای حقوق ثابت و رفاهیت و آسودگی مردم روا دارید (افشین، ۱۳۷۹: ۱۵۰). امیر در پی آن بود تا ظلم و ستم را ریشه‌کن سازد. وزیرمختار انگلیس در گزارشی به پالمستون در رابطه با اهداف ظلم‌ستیزی امیر کبیر می‌نویسد: میرزا تقی‌خان می‌خواهد روستاییانی که طی قرون تحت جور و ستم به سربرده‌اند خلاصی بخشد (تیموری، ۱۳۳۲: ۵۴).

مأمورین دولت در هنگام انجام مأموریت‌های اداری در تردد بین شهرها از مردم سیورسات و دیگر تقاضاهای غیرمعقول داشتند. برای این نیروهای دولتی نیز تصمیماتی اخذ شد «مترددین عرض را ولایت جمیع ممالک محروسه هر یک به طرفی مأمور شوند یا از جایی به دارالخلافه بیایند در عرض راه به غیراز قشونی که به جایی مأمور شوند آن‌هم موافق حکم دیوانی باشد هیچ‌جا سیورسات مطالبه نمایند زیرا که به

دست‌آویز سیورسات اذیت و آزار بسیار به رعایا می‌رسانند و هر کس باید سیورسات خود را موافق معمول ابتیاع نماید و به رعیت آزار نرساند» (آدمیت، ۱۳۵۳: ۳۲۱).

امیر نظم و قانون و تأمین عدالت در واقع آنچه را که نظم میرزا تقی‌خانی معروف شد بسیار وسیع می‌دید او از نظم میرزا تقی‌خانی نوعی قانونمند کردن قدرت خود کامه و به ضابطه کشیدن هر نوع بی‌ضابطگی را می‌فهمید و به جد در راه آن ایستاد (رضا قلی، ۱۳۷۷: ۱۱۷) در مقابل انضباط اجتماعی امیر هر قدرت مستقلی، حتی نفوذ و مقبولیت روحانیت نیز می‌توانست منشأ نوعی بی‌نظمی به شمار آید. در بدو امر با کمال تأمل و متانت به اصلاح برخی از محاضر شرع پرداخت و کسانی که حکم ناسخ و منسوخ یا برخلاف حقیقت صادر می‌کردند به وسیله محاضر دیگر و فتوا مجتهدین معروف آن‌ها را رسوا و با این طریقه عده‌ای از ناهلان را که استحقاق مداخله در شئون قضایی نداشتند دور ساخت و اشخاص متقی و فوق‌های (ما فوق) پرهیزگار را متصدی امور قضایی کرد (مکی، ۱۳۳۷: ۱۰۳). گستره دادگاه‌های شرعی و سنت قدیمی بست‌نشینی که گاه مجرمان و مغضوبان قضایی را پناه می‌داد، مانع دربرگیرندگی و شمولیت نظم جدید در تمامیت جامعه بود. بنابراین امیر کوشید روحانیت را تضعیف کند، از دامنه محاکمات شرعی بکاهد و سنت بست‌نشینی را منسوخ نماید. امیر یک بار به کنسول انگلیس در تبریز گفته بود که حکومت عثمانی، اعتبار از دست رفته‌اش را تنها پس از کاهش قدرت روحانیت بازیافته است (الکار، ۱۳۶۹: ۱۸۳). او به فطانت دریافت که بست‌نشینی باعث می‌شود بسیاری از مجرمان و گناهکاران از چنگال عدالت بیرون بروند و سفارتخانه‌های خارجی که طبق قواعد بین‌المللی مصونیت سیاسی داشتند به صورت محل دیگر تحصن درآمده بودند سفیران روس و انگلیس هم از آن قانون سوء استفاده فراوان می‌کردند و آن را به عنوان حربه‌ای علیه دولت بکار می‌بردند (آدمیت، ۱۳۵۳: ۴۳۲). لذا در سال ۱۲۶۶ ه. ق. امیر آیین بست را لغو کرد.

اعتراض انگلیس در خصوص بست‌نشینی به امیر کبیر صورت گرفت کلنل شیل ضمن نامه‌ای در تاریخ ۲۵ رجب ۱۲۶۶ به امیر نوشت: آشکار است که باعث منفعت کلی و آسایش رعایا این است که چنین مرجع و منفذی برپا و برقرار باشد، از دست ظلم و تعدی خصوص در جاهایی که دور از پایتخت است... چون اعتقاد باطنی دوستدار این است که بودن بست در این مملکت از برای همه کس خوب است امید دارد که آن جناب در این فقره درست تفکر فرمایند و این اظهاری که کرده است محض دوستی بشمارند. (رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۱۶۳) اما امیر زیر بار این دخالت‌های آشکار نماینده انگلیس نرفت و اقدام خویش در الغای بست‌نشینی را عملی نمود.

اقدام دیگر امیر در جهت تأمین عدالت قضایی منع شکنجه مجرمان و محکومان بود. اوژن فلاندن گزارش دل‌خراش از مجازات و شکنجه مردم اصفهان ارائه داده می‌نویسد: گیسوان را می‌بریدند عده‌ای را در وسط معرکه سربازان نگه‌داشته سرنیزه نابود می‌کردند برخی را چشم درمی‌آوردند و قسمتی را ناخن و دندان می‌شکستند. بعضی را تا نیمه تن در خاک کرده به قسمی سرشان در زیرزمین فرومی‌رفت چند نفری را با نخ به هم پیوسته پاهایشان را در هوا معلق نگاه می‌داشتند (فلاندن، ۱۳۵۳: ۱۳۴).

در خصوص شکنجه کردن اشرار و راهزنان و دخالت نمایندگان روس و انگلیس که با ارسال نامه خواستار جلوگیری از این اقدام شده بودند نامه‌ای به‌عنوان شاه‌نوشت و به سفارتخانه‌های آنان ارسال نمود او نوشت: از اینکه خداوند عالم نعمت باعظمت سلطنت را بما ارزانی داشته بنا و قانون ما با بندگان خدا مبنی بر عدل است بی‌آنکه در این باب از خارج مداخله و اظهاری شود. بدیهی است که راضی نیستیم که از حکام چنین عملی صادر شود و بر ذمه‌ی ملک‌داری و رعیت‌پروری لازم می‌دانیم که بنفسه الشریف مراقب و ملتفت امور داخله‌ی مملکت شده نگذاریم که حکام کسی را شکنجه نمایند. ولی از قراریکه آن جنابان استحضار دارند که از بدو سلطنت ما تابه‌حال الواط و اشرار

در فارس و عراق و یزد و خراسان و دیگر ولایات چقدرها باعث اغتشاش و خرابی مملکت و رعیت شده‌اند و مشغول نهب و غارت اموال تجار گشته‌اند. اگر در خلال این اوضاع واحوال این گونه احکامی که اشرار قاطع الطریق حمل بر عدل نمی‌نمایند صادر شود باعث ازدیاد جرات و جسارت الواط و اشرار خواهد شد. ان‌شاءالله در این اوقات که امر ممالک محروسه را منظم و مقتضی وقت دانستیم البته ما خود حکم صادر خواهیم فرمود که حکام نتوانند رعیت ما را شکنجه نمایند..» (رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۱۶۸).

بدین ترتیب او توانست از دخالت خارجی‌ها در امور داخلی جلوگیری نماید و سنت غلط شکنجه کردن را نیز حذف نماید. اصلاحات حقوق، کیفری و قضایی امیر علاوه بر اینکه باعث توسعه و گسترش عدالت کیفری در جامعه می‌شد فضایی از احساس امنیت و نظم را در جامعه به وجود آورد.

#### ۸- اصلاح سیاست خارجی و ساماندهی امنیت ملی

پادشاهان قاجار به دلیل رویکرد عشیره‌ای و قبیله‌ای که داشتند به سیاست خارجی و تحولات بین‌المللی اهمیت چندانی نمی‌دادند. قدرت‌های اروپایی مانند فرانسه و به ویژه انگلیس با سوءاستفاده از ناآگاهی دولت قاجار از تحولات جهانی خواهان گسترش قلمرو خود در ایران و نفوذ در میان دولتمردان قاجار و تحمیل قراردادهای استعماری بودند. در این میان روسیه نیز برای نفوذ بیشتر در ایران با انگلیس رقابت می‌کرد. از سوی دیگر دولت ایران در این دوره نهادهایی نداشت که بتوانند سیاست خارجی را رهبری و اولویت‌های خارجی را تعیین و مأموران سیاسی برای انجام مأموریت‌های خارجی تربیت کنند و در امور روابط خارجی ناموفق بودند. منصب وزارت دول خارجه تا رمضان سال ۱۲۶۷ در حقیقت در عهده شخص امیر کبیر بود و میرزا محمدعلی‌خان شیرازی و کالت و نیابت آن را بر عهده داشت در این تاریخ بر اثر اختلاف بین امیر و ناصرالدین‌شاه در ۱۹ رمضان شاه بافرمانی میرزا محمدعلی‌خان را در کار وزارت دول خارجه مستقل قرارداد و او را به لقب وزیر دول خارجه ملقب ساخت

(اقبال، ۱۳۴۰: ۲۰۲). در دوره کوتاهی که وزارت دول خارجه مستقیماً تحت اداره امیر کبیر قرار یافت. به تدریج سروصورتی پیدا کرد. ثبت و ضبط آن منظم شد. ترتیب تذکره به شکل صحیحی مجری گردید. مأمورین ایران در خارجه موظف شدند که از حوزه مأموریت خود و احوال اتباع ایران در آن حوزه‌ها همه ماهه اطلاعاتی صحیح به وزارتخانه بفرستند؛ و در باب جزئیات امور از امیر و دستگاه سیاسی او در تهران دستور بگیرند (اقبال، ۱۳۴۰: ۱۹۵).

اولین اقدام امیر در حفظ استقلال داخلی موقعی که شاه جدید (ناصرالدین شاه) می‌خواست از تبریز حرکت کند اتفاق افتاد. شاه حفاظت و حمایت ارمنی‌های تبریز را که طبق عادت غلط و منحوسی از سابق تحت حمایت کنسولگری انگلیس بود با صدور فرمانی به کنسول انگلیس اعطا کرد میرزا تقی‌خان از این اقدام منافی با استقلال و حاکمیت سخت برآشفته و اظهار کرد: برازنده یک دولت مستقل نیست که اصلاح امر اتباع خود را به دست عمال یک دولت خارجی بسپارد و این حق را از خویش سلب کند (واتسن، ۱۳۴۱: ۳۵۳).

سیاست خارجی اصلاحی امیر کبیر ابعاد مختلفی داشت. نخستین برخوردش با سیاست روس و انگلیس این بود که دست مداخله آنان را در امور داخلی ایران برید. امیر کبیر، اعمال نفوذ سفارتخانه‌های خارجی به ویژه انگلیس و روسیه را در ایران محدود کرد. این سفارتخانه‌ها برای برخی از رجال و افراد سرشناس ایران به صورت مرکز قانونی پناهنده شدن درآمده بود هر گروه با توجه به اینکه کدام سفارتخانه بیشتر می‌تواند منافع آنان را تأمین کند بدان سفارتخانه روی می‌آوردند (آوری، ۱۳۷۳: ۱۲۷).

طرح‌های امیر کبیر برای افزایش اقتدار حکومت مرکزی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی و افزایش کارایی دستگاه اجرایی باهدف‌های آموزشی او کاملاً در ارتباط بود او براین باور بود که موفقیت اصلاحات سیاسی و اجرایی نیازمند

دیوانسالاری حکومتی آگاه‌تر و واحدهای نظامی تربیت‌شده‌تر و مجهزتر است. به گفته کنت دو گوینو: «امیر کبیر به اروپاییان نظر مساعدی نداشت و مایل بود آن‌ها را دورنگه دارد و از سوی دیگر می‌خواست از آن‌ها دانش نظامی و برخی مهارت‌های صنعتی را کسب کند.» (گوینو ۱۳۸۳: ۲۴۰) امیر «کوشش داشت که نارسایی‌های آموزشی و تجربی خود را به وسیله مصاحبت با اروپایی‌ها و استفاده از روش‌های حکومتی اروپای شرقی و غربی برطرف سازد» (مری شیل، ۱۳۶۸: ۱۵۸) حتی معلمان استخدام شده باید در حوزه کاری خویش فعالیت می‌کردند پولاک می‌نویسد: «قصد {امیر کبیر} این بود که معلمان.. از امور سیاسی کشور برکنار باشند به طوری که تمام هم خود را صرف وظیفه آموزشی خود نمایند و به جای دیگری توجه نداشته باشند (پولاک، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

یکی از اقدامات سیاسی امیر کبیر این بود که با مذاکرات سیاسی طبق صورت جلسات معین با وزرای مختار دول خارجه مقرر داشت که هیچ‌یک از اتباع خارجه حق خرید املاک و اراضی را در ایران ندارند مگر طبق شروطی که تقریباً عمل کردن به آن شروط و قیود محال به نظر می‌رسید. همچنین به نمایندگان سیاسی مقیم دربار ایران دستور داده شد که از ورود به مجالس سوگواری در ایام سوگواری جداً خودداری نمایند چه ممکن بود در این قبیل مواقع به واسطه بروز احساسات به آنان حمله شود و در این صورت وقایع ناگواری روی دهد (مکی، ۱۳۳۷: ۱۲۵).

در اوایل ذی‌حجه سال ۱۲۶۷ امیر کبیر میرزا محمدحسین صدر قزوینی را به‌عنوان سفیر به روسیه روانه کرد در دستورالعملی که به سفیر داده شد چند موضوع شایان توجه است: ۱- توقف رفت و آمد کشتی‌های جنگی روس در آب‌های ایرانی خزر ۲- تخلیه جزیره آشوراده که ملک طلق ایران و تحت تصرف روسیه بود. ۳- منع دریاسالار روسی از اصدار تذکره برای آمدن ترکمانان به استرآباد ۴- تحدید اختیارات

دالگورگی سفیر روس که خیلی مستبد و خودسر بود و از حدود اختیارات یک سفیر تجاوز می کرد (رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

### **بحث و نتیجه گیری**

امیر کبیر برای انجام اصلاحات پایه‌ای و بنیادین خود در دوران کوتاه صدراعظمی، اقدامات اصلاحی به شرح زیر انجام داد:

- ۱- ایجاد نظم و امنیت داخلی مناسب در کشور
- ۲- ساماندهی امنیت ملی از طریق مبارزه بانفوذ انگلیس و روسو عوامل نفوذی آنها
- ۳- تدوین قوانین و مقررات برای تأمین عدالت قضایی و کیفری
- ۴- ساماندهی نیروهای قشون نیروهای نظامی و انتظامی
- ۵- تأسیس سازمان خفیه برای مبارزه با فساد
- ۶- مبارزه جدی با ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه
- ۷- مبارزه با فساد و ظلم شاهزادگان قاجار و نیروهای نظامی و انتظامی بر مردم
- ۸- تأسیس دارالفنون برای توسعه علمی و نظامی و انتظامی ایران

### **پیشنهادها**

- ۱- الگوبرداری از شخصیت شجاع، قاطع و جدی امیر کبیر در مبارزه با فساد برای نخبگان سیاسی و نظامی
- ۲- الگوبرداری از اعتماد به نفس، عزت نفس و نفوذناپذیری در برابر مخالفان و دشمنان داخلی و خارجی امیر کبیر برای نخبگان سیاسی و نظامی کشور

### **تشکر و قدرانی**

در پایان از آقای دکتر مقیمی و کلیه کسانی که در این تحقیق ما را یاری کردند صمیمانه قدردانی به عمل می آید.

## منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۳). چهل سال تاریخ ایران، (المآثر و الاثار)، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر
۲. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۶). چهل سال تاریخ ایران، (دوره پادشاهی ناصرالدین شاه) تعلیقات حسین محبوبی، تهران: انتشارات اساطیر
۳. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۴۰). میرزاتقی خان امیر کبیر، تهران: دانشگاه تهران
۴. الگار، حامد. (۱۳۶۹). دین و دولت در ایران دوره قاجار، نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس
۵. امین الدوله، میرزا علی خان. (۱۳۴۱). خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرما فرمایان، تهران: دانشگاه تهران
۶. ایوری، پیتر، پاتر، لارنس، اسکندری قاجار، منوچهر، اسکوفیلد، ریچارد. (۱۳۸۹). جنگ و صلح، زیر نظر رکسانه فرمانفرمایان، ترجمه حسن افشار، چاپ اول، تهران: نشر مرکز
۷. ایوری، پیتر. (۱۳۷۳). تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه انتشارات عطایی
۸. بروگش، هانریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردبچه، تهران: انتشارات اطلاعات
۹. پرتو، افشین. (۱۳۷۹). تاریخ گیلان، رشت: انتشارات حرف نو
۱۰. پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۸۰). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان) ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی
۱۱. ترابی، یوسف. (۱۳۸۴). آسیب شناسی مدیریت توسعه در ایران، دوفصلنامه دانش سیاسی، تهران، انتشارات دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع). ۱(۲)-۱۳۳-۱۰۳ قابل بازیابی از طریق سایت <http://pkn.journal.isu.ac.ir/article/7308>.
۱۲. تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۴). مشروطه خواهی ایرانیان، تهران: انتشارات باز
۱۳. تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). عصر بی خبری، تهران: انتشارات اقبال



۱۴. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی
۱۵. حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۸). نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر
۱۶. حیدری مهر، معصومه، سهراب زاده، سمیه. (۱۳۹۷). بررسی آسیب‌شناسی اصلاحات نظامی در ایران عصر قاجار، تاریخ روایی، ۳ (۸)، ۱۳۱-۱۵۹ قابل‌بازیابی از طریق سایت [noormags.ir.view/fa/articlepagz](http://noormags.ir.view/fa/articlepagz).
۱۷. رائین، اسماعیل. (۱۳۷۳). حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران: انتشارات علمی
۱۸. رضا قلی، علی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران: نشر نی
۱۹. زیباکلام، صادق. (۱۳۸۹). سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران، تهران: انتشارات روزنه
۲۰. طبری، احسان. (۱۳۶۰). ایران در دو سده واپسین، تهران: انتشارات حزب توده ایران
۲۱. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۰). اقتدارگرایی ایران در عصر قاجار، تهران: انتشارات فروزان روز
۲۲. سپهر، محمدتقی‌خان (لسان‌الملک). (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ، تاریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر
۲۳. شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات زریاب
۲۴. عمید، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر
۲۵. علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۶۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر و پخش
۲۶. عیوضی، عبدالرحیم. (۱۳۸۳). وقایع‌اتفاقیه اصلاحات امیر کبیر، مجله‌زمانه، ۱۲ (۲۸)، ۴۴-۵۲ دوره جدید. قابل‌بازیابی از طریق سایت، <https://vista.ir/m/a/r3wiz>
۲۷. فلاندن، اوژن. (۱۳۵۳). سفرنامه اوژن فلاندن، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی
۲۸. قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). قاموس قرآن، جلد هفدهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه

۲۹. کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۲). تضاد دولت و ملت، نظریه سیاست و حکومت در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی
۳۰. کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۳). اقتصادسیاسی ایران، ترجمه محمدرضانقیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز
۳۱. کاظمی، محمد، البرز، منوچهر. (۱۳۵۳). تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، به اهتمام علی زریری، تهران: انتشارات ارتش
۳۲. گوینو، کنت. (۱۳۸۳). سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره
۳۳. هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۰). تاریخ روضه‌الصفای ناصری، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران: اساطیر
۳۴. هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۷۳). فهرس التواریخ، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، میر هاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
۳۵. هدایت (مخبر السلطنه)، مهدیقلی خان. (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات، تهران: نشر زوار
۳۶. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۶۳). امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، قم: انتشارات فراهانی
۳۷. لیدی شیل، مری. (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسن ابوترابیان، چاپ دوم، تهران: نشر نو
۳۸. مراغه‌ای، زین العابدین. (۱۳۱۳ق). سیاحتنامه ابراهیم بیگ، قاهره، بی نا
۳۹. مکی، حسین. (۱۳۳۷). زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر، تهران: انتشارات علمی،
۴۰. معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ معین، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر کبیر
۴۱. مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۲، تهران: انتشارات زوار
۴۲. محلاتی، حاج سیاح. (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح، تصحیح حمید سیاح و سیف الله گلکار، تهران: انتشارات امیر کبیر

۴۳. نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). تامل نظری بر امنیت اجتماعی با تاکید بر گونه های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی ۹، (۳۱) ۷۳-۵۳، بازیابی از طریق سایت:

<http://quarterly.risstudies.org/article/978>

۴۴. واتسن، گرانت. (۱۳۴۱). تاریخ ایران در دوره قاجاریه، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: انتشارات سیمرخ

۴۵. وقایع اتفاقیه شماره ۲۸، پنجشنبه ۱۶ شوال المکرم مطابق سال تنگوزئیل، سال ۱۲۶۷

۴۶. وقایع اتفاقیه شماره ۲۴، پنج شنبه ۱۸ رمضان مطابق سال تنگوزئیل، سال ۱۲۶۷

۴۷. وقایع اتفاقیه شماره ۳۰، پنج شنبه سلخ شهر شوال المکرم مطابق سال تنگوزئیل، سال

۱۲۶۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی